



معالجه بیماران توسط دراویش و دعانویسها در دوره قاجار

یکی از اعتقادات جماعت دارالخلافة نشین در دوره قاجار همین بوده است که ادعیه ای که برخی دراویش و دعانویس ها برای مریض خود می نوشتند، سبب رفع کسالت آنها خواهد شد.

خبرگزاری مهر - یکی از اعتقادات جماعت دارالخلافة نشین در دوره قاجار همین بوده است که ادعیه ای که برخی دراویش و دعانویس ها برای مریض خود می نوشتند، سبب رفع کسالت آنها خواهد شد. در دوره قاجار، به ظاهر دعانویسی بسیار مورد توجه ایرانیان بود و از این طریق، گره از مشکلات و گرفتاری هایشان می گشاد. گاه مردم برای معالجه امراض خود به سراغ این گروه می رفتند. دعانویس نیز دعایی در روی تکه کاغذی می نوشت و دستور می داد تا آنرا در میان دست، مانند حبه گرد کند و بلعد و یا آنرا در آب شسته و آن آب را به مریض می خوراندند. (ر.ک: تهران دارالخلافة در یک صد سال پیش، ص 240)

یکی از اعتقادات جماعت دارالخلافة نشین در دوره قاجار همین بوده است که ادعیه ای که برخی دراویش و دعانویس ها برای مریض خود می نوشتند، سبب رفع کسالت آنها خواهد شد. این ادعیه که برحسب صواب دید و تجویز آنها در کاغذهای کوچک نوشته می شد، توسط مریض بلعیده می شد تا درمان بیماریش حاصل شود. (ر.ک: سرگذشت طهران، ص 308-309)

تأسیس بیمارستان دولتی به دستور امیرکبیر در این دوره، بی ارتباط با این روشهای درمانی که در بسیاری از شهرها و روستاهای ایران آن زمان باب شده بود و وضع بسیار دردناکی داشت، نیست. طبق شواهد به دست آمده، در این زمان، معالجه بیماران از سوی کسانی چون جن گیران، دعانویسان و پیرزنان و پیرمردانی صورت می گرفت که هیچ گونه تخصص و تجربه ای در زمینه طبابت نداشتند. داروهایی که آنها تجویز می کردند، اغلب نه تنها موجب سلامت بیمار نمی شد، بلکه به بیماری او می افزود.

تأسیس مریض خانه دولتی و به کار گماردن طبیبان و حکیمان تحصیل کرده و با تجربه از اقدامات سودمند امیرکبیر بود که علاوه بر تضمین نمودن سلامت بیماران، جلوی بسیاری از افکار و عقاید خرافی (ر.ک: داستانهای از زندگانی امیرکبیر، ص 126) در درمان بیماری و سودجویی برخی شایادان را می گرفت.

از دیگر مراجعه کنندگان به دعانویسان، زنانی بودند که با مشکل نازایی و یا بی مهری از سوی شوهرانشان رو به رو شده بودند و از این مسأله رنج می بردند. آنها سعی می کردند به هر نحوی شده نازایی خود را معالجه کنند، لذا پس از انجام کارهایی چون رفتن یک شب به مرده شوی خانه و دادن مقداری تره و پول به مرده شوی، خوابیدن روی سنگ مرده شوی خانه، برداشتن آب از چهار گوشه حمام و آن را درون پوست تخم مرغ کردن و بر روی سر ریختن و یا بردن زن به حمام یهودی ها و لباس وارونه پوشیدن و ... که بسیاری از آنها چیزی جز خرافات و عقاید خرافی نبود، به دعانویسی ها مراجعه می کردند تا آنها دنیز از روی کتب مختلف، طلسمات و یا دعاهایی برای بارور شدن آنها بنویسند. (ر.ک: ایران و ایرانیان، ص 154-155)

در اینجا اشاره به این نکته لازم است که نشر عقاید خرافی در این دوره، زنان را بیش از مردان به خود درگیر ساخته بود. مشکلات فردی و اجتماعی زنان مواردی چون همسرگزینی، بخت گشایی، ارتباط معقول و مناسب با همسر و خانواده همسر، نازایی، ازدواج مجدد همسر، چشم زخم، بچه داری و ... را شامل می شد.

خرافات پدید آمده در مورد زه کنترل شوهران و یا گشودن بخت دختران از دیگر اقداماتی بود که زنان در این دوره بدان مبادرت می کردند. در این کار، قاعده چنین بود که زه را که کار کرده و از کمان حلاج باز شده بود در شیر می خواباندند و پس از نرم شدن همراه

نیت گره می زدند و در شکمبه گوسفند می گذاشتند و در قبرستان کهنه دفن می کردند.

دختران و بیوه های خانه مانده نیز با این زه، به شیوه های دیگر عمل می کردند تا گره افتاده بر زندگی شان بازگردد، (ر.ک: سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی به روسیه، ص 16) اما غافل از اینکه انجام این اقدامات بی اساس و پوچ، نتیجه ای جز متزلزل کردن روابط زناشویی و یا نسبت خرافی و بی عقلی به زنان دادن چیز دیگری نصیبشان نمی کرد.